

\* به نام خدا \*

## " کاتب امین وحی "

### مقدمه

در لغت نامه دهخدا ذیل کلمه "قرآن" و "کاتبان قرآن" بر اساس تلقی "بی سواد بودن پیامبر" چنین آمده است :  
پیغمبر را نویسندگان و منشیانی بودند که آنچه نازل می شد می نوشتند و به نام "کاتبان وحی" معروف شدند . از آن جمله می توان از ابو بکر و عمر و عثمان و علی و زبیر و خالد و ابان و علاء حضرمی و ابی ابن کعب و معاذ بن جبل و ابوالدرداء و زید بن ثابت و ابو زید انصاری نام برد و ابن سیرین تمیم داری را بر آنان اضافه کرده و قرطی عبادة بن صامت و ابو ایوب را بر آنان افزوده است .  
البته افراد دیگری مثل ابو سفیان و عامر بن فهیره و طلحه بن عبدالله و معاویه و یزید بن ابی سفیان و سعد بن ابی وقاص و عبدالله بن ارقم و عبدالله بن رواحه و ثابت بن قیس و خالد بن ولید و فاطمه دوسیه را در گروه مذکور آورده اند که تعداد آنهايي که مشهورتر هستند حتی متجاوز از چهل نفر می شود .

اما آیا واقعاً چنین بود و "کاتبان وحی" همان "کاتبان قرآن" بودند؟! یا این که تلقی "بی سواد بودن پیامبر" کلاً بی اساس است و "کتابت وحی" مستقیماً توسط ایشان صورت می گرفت و انجام چنان امر خطیری به طور مطلق در انحصار شخص پیامبر بود و دیگران در آن مهم حق هیچ گونه دخالت و اظهار نظری نداشتند . ضمن این که اولاً بعضی از کاتبان فوق الذکر و شاخص تر از همه علی آن طفل ده ساله در زمان بعثت ، تحت تعلیم آن حضرت باسواد شده بودند و ثانیاً اکثر آنها تحت نظارت ایشان ، تنها به نسخه برداری و تکثیر و نشر آیات و سوره های مکتوب شده قرآن توسط پیامبر و همچنین انجام بعضی از مکاتبات مورد نظر ایشان می پرداختند .

حقیر مانند معدودی از محققین اسلامی و غیر اسلامی بر این اعتقاد راسخ می باشد که "خاتم النبیین" مثل سایر انبیاء قبل از بعثت دارای سواد کافی بودند و بعد از بعثت آیات را پس از القاء شدن ( در پاره ای دفعات با اتکاء به حافظه خویش و در نتیجه با تأخیر و در اغلب اوقات ) بلافاصله و در همه مواقع شخصاً ، "با رعایت امانت کامل" و به طور دقیق مکتوب می کردند . لذا هیچ گونه احتیاج و وابستگی در زمینه مذکور و همچنین در خصوص مطالعه آیات "کتاب قرآن" و تعلیم دادن مردم عرب به سایرین نداشتند . فراتر از آن این که حتی مجاز به اخذ کمک از دیگران اعم از غیر مؤمنین زمان بعثت یا حتی مؤمن شدگان بعدی ، در انجام امور خطیر "کتابت وحی" و "تنظیم آیات مکتوب شده نهائی" و جمع کردن آنها در سوره های قرآن نبودند .

قبل از هر چیز باید توجه داشت که از تبعات تلقی رائج "بی سواد بودن پیامبر" یکی این می تواند باشد که لزوماً کلیه آیات نازل شده بر پیامبر و مکتوب توسط خیل افراد مذکور ، در قرآن عثمانی یا همین قرآن موجود جمع نشده است یا برخی از آیات قرآن عثمانی به علل مختلف و مهم تر از همه به علت "بی سواد بودن پیامبر" و امکان فراموش کردن ایشان و همچنین عدم احاطه کامل بعضی از کاتبان بر امر کتابت ، میراث کامل و دقیق نزول وحی خدا توسط جبرئیل بر پیامبر نیست . این تلقی ابداً تأکیدی بر رعایت ترتیب نزول آیات و سوره ها نمی کند . در نتیجه بر توالی آیات موجود در هر یک از سوره های قرآن عثمانی منطبق با ترتیب نزول آیات اصراری نمی ورزد یا اصراری بر نحوه تفکیک هر یک از سوره های اولیه به صورت کنونی و قبول قطعیت وجود صرفاً یکصد و چهارده سوره در قرآن اولیه با آیاتی معین در هر یک از سوره های آن ندارد و نمی تواند داشته باشد .

اما در نقطه مقابل از تبعات عقیده "باسواد بودن پیامبر" و احاطه کامل ایشان بر امر کتابت ، اول این است که بی شک هر آنچه از آیات خدا به سوی پیامبر القاء می شد بلافاصله و عیناً توسط ایشان "با رعایت امانت کامل" و به طور دقیق مکتوب می گردید ( و در صورت لزوم به وحی دوباره یا مجدد توسط جبرئیل ، بعضی نسخ و حذف و محو ) و نهایتاً ، فقط بعضی تثبیت و محکم می شد و در سوره مربوطه درج و به سوره های قبلی اضافه و در "کتاب قرآن" جمع می گردید و دوم این می تواند باشد که هر آنچه در قرآن اولیه بود تنها همین قرآن عثمانی است و لا غیر . همچنین تعداد سوره های قرآن اولیه یا همان "قرآن محمدی" همین یکصد و چهارده سوره با همین آیات و با همین ترتیب آیات در هر سوره می بود . البته فقط ترتیب سوره ها را در قرآن اصلی یا همان "قرآن محمدی" که بر مبنای ترتیب نزول آنها ردیف و منظم می بود به ترتیب جعلی و ساختگی فعلی در قرآن عثمانی تغییر داده اند .

در این بررسی و تحلیل سعی شده است تا صرفاً با استناد به آیات منتخب از قرآن ، به عنوان معتبرترین و گویاترین سند تاریخی در این زمینه که بعد از چهارده قرن تغییری در آن به عمل نیامده است و با شیوه ای آسان به موضوع "باسواد بودن پیامبر" پرداخته شود و به طور جامع در اثبات آن ، دلایل لازم و کافی ذکر گردد . لذا از استناد به احادیث و روایات معتبر که البته همه آنها هم مؤید باسواد بودن ایشان می باشد احتراز شده است .  
به قول مولوی :

چون تو در قرآن حق بگریختی      با روان انبیاء آمیختی  
هست قرآن حالهای انبیاء      ماهیان پاک بحر کبریاء

نوشته حاضر در دو فصل می باشد. فصل اول تحت عنوان **رؤیت مسیر** شامل تعداد پانصد آیه تفکیک شده از دو هزار آیه منتخب فصل دوم بر مبنای ترتیب نزول و به طور متوالی است که به منظور اثبات ساده و همزمان **چهار موضوع اساسی** و مهم مطروحه در قرآن و همچنین مشاهده کلی مسیری که در فصل دوم باید با حوصله و تأنی پیموده شود تنظیم شده است. در فصل اول با آوردن ترجمه پانصد آیه قرآن به همراه توضیحات مربوطه طی آیات، دلایل لازم و کافی در اثبات ساده اما قاطع **باسواد بودن پیامبر** و همچنین در اثبات ساده و قطعی سه موضوع اساسی دیگر ( **اول** رسالت پیامبر برای ابلاغ آیات وحی شده خدا و ابلاغ وحدانیت خدا در عبادت او و هشدار و بشارت مردم عرب به روز قیامت و آخرت و در مجموع دعوت و نه هدایت مردم و نه پادشاهی و فرمانروایی و سلطنت و نه حتی ولایت بر آنها و **دوم** خاص بودن آن رسالت فقط برای قوم امی و بی کتاب آسمانی عرب و نه اقوام غیر عرب و **سوم** تنها معجزه ایشان برای مردم عرب کتاب قرآن ) ملاحظه می گردد. بی تردید خواننده با قرائت فصل اول دیگر ضرورتی به کنکاش بعدی برای اثبات آن چهار موضوع سهل اما منع شده توسط حکام غیر مردمی و کاهنان و ملایان حامی آن حکام نخواهد دید. توصیه می شود در قرائت فصل اول که به نوعی **عصاره قرآن** است ابتداء ترجمه پانصد آیه بدون توضیحات و بعد به طور کامل قرائت گردد.

فصل دوم تحت عنوان **طی طریق** در وهله اول تعمیم آن **چهار موضوع** اثبات شده فصل اول به کل قرآن است. فصل دوم از یکطرف به طور موشکافانه بر **باسواد بودن پیامبر** صحنه می گذارد و هر گونه شک و تردید احتمالی را در این خصوص از میان برمی دارد و از طرف دیگر به همان سه موضوع اساسی ( **اول** رسالت پیامبر برای ابلاغ آیات وحی شده خدا و ابلاغ وحدانیت خدا در عبادت او و هشدار و بشارت مردم عرب به روز قیامت و آخرت و در مجموع دعوت و نه هدایت مردم و نه پادشاهی و فرمانروایی و سلطنت و نه حتی ولایت بر آنها و **دوم** خاص بودن آن رسالت فقط برای قوم امی و بی کتاب آسمانی عرب و نه اقوام غیر عرب و **سوم** تنها معجزه ایشان برای مردم عرب کتاب قرآن ) می پردازد و آن چهار موضوع را که در فصل اول قاطعانه اثبات شده است با تعمیم به کل قرآن، به طور مفصل اثبات می کند. فصل دوم بعد از تعمیم آن چهار موضوع اثبات شده فصل اول به کل قرآن، چندین موضوع مهم و بعضاً محرز شده در فصل اول را مورد توجه قرار می دهد و آنها را کاملاً اثبات می کند. فصل دوم همچنین تعدادی از ابهامات دیرینه موجود در اذهان خواص و عوام را به روشنی پاسخ می دهد. نظر به اهمیت مطالب مطروحه در فصل دوم قرائت صبورانه آن توصیه می شود. توصیه بعدی این که ابتداء فقط ترجمه آیات منتخب همراه توضیحات طی آیات به طور متوالی و بی توجه به نکات مربوط به هر یک از سوره ها ( که جمعاً حدود ششصد نکته کوتاه و بلند است ) قرائت گردد و بعد توأمأ قرائت شود.

متن فعلی به دور از هرگونه احساسات متعصبانه به رشته تحریر درآمده است و همانند علوم زبان شناسی و باستان شناسی و جغرافیا و ریاضی و نه مباحث دینی و اخلاقی موضوعات را بررسی و اثبات کرده است که هم شیوه اثبات و هم بعضی از موضوعات اثبات شده بدعت محسوب می شود **بدعتی راستین و استوار**. به منظور تحقق هدف مذکور، ضرورتاً همه سوره ها بر اساس ترتیب نزول آنها که فهرست آن در آخر مقدمه می باشد ردیف شد تا با درک کامل تر و واقعی تر از شرایط زمان و مکان به آنها نگریسته شود و سیر تغییر و تحول کلمات و موضوعات در آیات بهتر مشاهده گردد. به این ترتیب پاسخ بسیاری از ابهامات و سؤالات خود به خود آشکار می شود و پندارهای خام و زیاده گوییهای عامیانه را کلاً منتفی می کند. **در واقع قرائت به ترتیب نزول سوره های قرآن کلید اصلی پاسخگویی به اکثر ابهامات و سؤالات است.**

نکته بسیار مهمی که باید در نظر داشت این است که تغییر ترتیب سوره های قرآن از حالت اولیه آن که تا قبل از فوت پیامبر و حتی در زمان حکومت ابو بکر خلیفه اول و حکومت عمر خلیفه دوم بر مبنای **ترتیب نزول سوره ها** ردیف و منظم بود و تنظیم سوره ها با ترتیب ساختگی و جعلی کنونی، در سال سی ام هجری در زمان حکومت عثمان خلیفه سوم، ظرف بیست سال بعد از فوت پیامبر و پنج سال قبل از کشته شدن عثمان، صرفاً با اهداف سیاسی و با برنامه ریزی و اصرار حکومت عمر و بعداً با پیگیری حکومت عثمان و حامیان آن دو حکومت، با سکوت بعضی از اصحاب پیامبر و البته مخالفت های بعضی به انجام رسید. بدیهی است قبل از تنظیم قرآن عثمانی و در واقع همین قرآن حکومتی و تحقق **آن بدعت دروغین** و اجبار مردم به رعایت ترتیب جعلی کنونی توسط حکومت های جابر، کلیه قرآن ها یا از روی **قرآن پیامبر** که فقط توسط شخص ایشان مکتوب شده بود و به **ترتیب نزول آیات و سوره ها** ردیف و منظم بود به طور کامل نسخه برداری می گردید یا به صورت سوره های جداگانه، اعم از کل یا جزء، البته با رعایت ترتیب نزول آیات در آن سوره بر اساس **قرآن پیامبر** مدون می شد.

**لیکن با بررسی دقیق تاریخ صدر اسلام و روشن شدن زوایای تاریک آن، همزمان هدف دیگر حکومت وقت هم تحقق می یابد و بعد از تنظیم قرآن عثمانی، قرآن اصلی و مکتوب شده توسط پیامبر که بعد از فوت ایشان نزد همسرشان حفصه دختر عمر بود به همراه تمامی دست نوشته های دیگر پیامبر که حتی از قبل بعثت نزد ایشان و دیگران وجود داشت و همگی توسط حکومت وقت ( در ظاهر جهت حفظ و نگهداری آنها ) جمع آوری گردیده بود به امر عثمان با نیت القای بی سواد بودن پیامبر به مردم سوزانده و از بین برده می شود. بدین ترتیب اولین و مهم ترین تحریف تاریخ اسلام مبتنی بر کذبی محض در مورد پیامبر طراحی گردید و تدریجاً به مردم خصوصاً به مردم غیر عرب القاء شده است آن هم با حمایت حکومت های غیر مردمی و کاهنان و ملایان حامی آنها.**

آیات انتخاب شده کلمات و موضوعاتی چون قرائت (کردن و شدن) ، تلاوت (کردن و شدن) ، قلم (خامه) ، مداد (مُرکب) ، صفحه و صحیفه و ورق و (کاغذ و) قِرطاس و لوح ، کتابت (کردن و شدن) ، خط نوشتن و رقم زدن ، سطر (کردن و شدن) ، معلّم و باسواد و کاتب و شاعر ، املاء (کردن و شدن) ، نسخه برداشتن و ضرب کردن و منتشر کردن ، درس (دادن و گرفتن) ، تعلیم دادن (و کردن) و تعلیم گرفتن و دیدن و یافتن (و شدن) ، نازل و القاء و وحی و الهام (کردن و شدن) ، نزول و نزول تدریجی و تنزیل ، جبرئیل و روح خدا و روح الامین و روح القدس ، آیت و بینه و معجزه ، آیه و سوره ، ابلاغ و تبلیغ (کردن و شدن) ، تذکر (دادن و گرفتن) ، هشدار و اخطار دادن (و کردن) و هشدار و اخطار گرفتن (و شدن) ، بشارت (دادن و گرفتن) ، دعوت و هدایت (کردن و شدن) ، رسول و نبی ، صادق و امین ، کتب و صُحُف و زُبر ، کتب عهدین اعم از کتب عهد قدیم و کتب عهد جدید ، تورات و زبور و انجیل و قرآن ، صحیفه و کتاب و حکمت و نبوت ، مُلک (فرمانروایی) و مَلِک (فرمانروا و حاکم) ، غافل و مشرک و کافر ، بی کتاب آسمانی و امی و امیین و امیون ، عربی و عجمی ، اهل علم و اهل کتاب آسمانی ، تسلیم و مُسلِم و مؤمن و اسلام و بعضی موضوعات مهم دیگر مطروحه در قرآن را در بر می گیرد .

با توجه به این که خط و زبان فارسی متداول در **ایران زمین** از جهاتی شبیه خط و زبان فعلی عربی می باشد و علاوه بر وجود بیست و هشت حرف صامت مشترک و سایر مشترکات ، ریشه بسیاری از کلمات مصطلح در آن عربی است لذا در ترجمه آیات منتخب حتی الامکان از مشتقات ریشه همان کلمات قرآنی که در فارسی دارای مفهوم مشترک یا مشابه می باشد استفاده شده است و معادل فارسی یا معادل عربی آن کلمات به کار نرفته است . در نتیجه با وجود نزدیک بودن ترجمه آیات منتخب به نص قرآن و ضریب بالای دقت آن که شرط لازم برای پیگیری و بررسی صحیح موضوعات می باشد در پاره ای موارد ، اندکی از روان بودن عبارات کاسته شده است که البته با مرور آنها عادی می شود . در ادامه اهم این گونه کلمات ذکر می گردد :

**« قرائت کن »** به جای « ۱- متنی را معمولاً از روی آن متن ( و با صدای بلند ) بخوان و تلاوت کن ( صرفاً بعضی مواقع از حفظ مورد نظر است )

۲- « متنی را در دل و ) بی صدا بخوان و مطالعه کن »

**« تلاوت کردن »** به جای « متنی را غالباً از روی آن متن ( و عمدتاً با صدای بلند ) خواندن و قرائت کردن

( اکثراً در مورد کتابهای آسمانی استفاده می شود و صرفاً بعضی مواقع از حفظ مورد نظر است )

**« اسم »** به جای « نام و لفظ و واژه و لغت و کلمه ( یا نامها و الفاظ و واژه ها و لغات و کلماتی ) که برای مشخص کردن و نامیدن هر آنچه وجود داشته است و وجود خواهد داشت یا هر آنچه به ذهن انسان خطور کرده است و خطور می کند استفاده می شود »

**« خلق کرده است »** به جای « ۱- آفرینش کرده است و آفریده و بیافریده است ۲- به وجود و پدید آورده است ۳- هستی داده است »

**« کریم »** به جای « ۱- با کرم و سخی و بخشنده ۲- بزرگوار و گرامی و ارجمند »

**« تعلیم داده است »** به جای « آموخته است و آموزش و یاد داده است »

**« علم »** به جای « آگاهی و دانش و دانایی »

**« او علم دارد »** به جای « او می داند و آگاه است »

**« ( جن زده و ) مجنون ( شده ) »** به جای « ۱- دیو زده و ( دیوانه ( شده ) و کسی که عقلش را به هر علتی از دست داده است

۲- جادو زده و مسحور شده ۳- شیدا و شیفته و مفتون »

نکته : کلمه « جن » در عربی جمع کلمه « جنی » است

اما در فارسی و در متن فعلی به عنوان مفرد نیز استفاده شده است .

**« اجر »** به جای « مزد و پاداش و جزاء »

**« سطر کردن »** به جای « خط نوشتن ( به وسیله قلم یا هر آنچه با آن بتوان نوشت ) »

**« اساطیر اولیها »** به جای « ۱- داستانهای مسطور و مستطر در صُحُف تورات و کتب دینی بنی اسرائیل ۲- افسانه های سطر شده پیشینیان »

**« مسطور و مستطر »** به جای « ۱- سطر شده به وسیله قلم یا هر آنچه با آن بتوان سطر کرد ۲- نوشته و مکتوب و تحریر و مرقوم شده »

**« صحیفه »** به جای « ۱- ورق و برگ ( که پشت و روی آن هر کدام یک صفحه است ) ۲- کتاب و دفتر و نوشته »

**« صُحُف ( جمع صحیفه ) »** به جای « ۱- برگها و کاغذها و صفحات و اوراق ۲- کتب و دفاتر و نوشته ها »

**« ضرب کردن »** به جای « ۱- زدن ( که البته دارای معانی متعدد و گسترده است )

۲- زدن روی فلز ( قلمزنی یا ضرب سکه و سکه زدن )

۳- زدن روی پارچه ( قلمکاری )

۴- زدن روی پوست حیوان و پارچه و برگ درخت و کاغذ و صفحه و ورق ( نوشتن و چاپ ابتدائی ) »

**« زُبر ( جمع زبور ) »** به جای « صُحُف و کتب و دفاتر و نوشته ها »

**« حکم می کنید »** به جای « ۱- قضاوت و داوری می کنید ۲- امر می کنید و دستور می دهید »

**« غرامت »** به جای « تاوان و جریمه و جبران خسارت »

**« ثقیل »** به جای « ۱- سنگین و وزین ۲- سخت و دشوار »

**« کتابت می کنند »** به جای « ( خط ) می نویسند و تحریر و مرقوم می کنند »

**« کتاب »** به جای « ۱- نوشته و دفتر و مکتوب و صحیفه آسمانی ۲- هر گونه کتاب و نوشته و مکتوب »

- « **الا** » به جای « مگر و جز و به جز و غیر و به غیر و غیر از و سواء و به استثناء »
- « **غیر** » به جای « جز و به جز و الا و سواء و به استثناء »
- « **دون** » به جای « پایین و پست و فرو و زیر و پایین تر »
- « **مثل** » به جای « مانند و همانند و چون و همچون و شبیه و مشابه و نظیر و عین »
- « **ولو** » به جای « ۱- و اگر ۲- و حتی اگر ۳- و اگر چه »
- نکته : گاهی ترجمه فارسی آن هم استفاده شده است .
- « **عالمیان** » به جای « جهانیان »
- « **نصف** » به جای « ۱- نیم و نیمه و یک دوم و یکی از دو قسمت مساوی ۲- وسط و میان و میانه »
- « **قلیل** » به جای « کم و اندک و ناچیز »
- « **قول** » به جای « سخن و کلام و گفتار و حرف و بیان »
- « **القاء کردن** » به جای « ۱- وحی کردن موضوعی به منظور تعلیم آن که عمدتاً طولانی مدت و مستمر است  
۲- ( در دل ) افکندن و ( در مغز ) انداختن مطلب و پیام و امری از طریق هر یک از حواس ( با شدت زیاد یا متوسط )  
۳- یاد دادن و تعلیم دادن »
- « **وحی کردن** » به جای « ۱- پیغام فرستادن  
۲- القاء کردن و الهام کردن موضوع و پیام و امری به منظور تعلیم یا اجرای آن که عمدتاً کوتاه مدت است  
۳- ( در دل ) افکندن و ( در مغز ) انداختن مطلب و پیام و امری از طریق هر یک از حواس ( با شدت زیاد یا متوسط ) »
- « **الهام کردن** » به جای « ۱- ( در دل ) افکندن و ( در مغز ) انداختن موضوع و پیام و امری از طریق هر یک از حواس  
۲- وحی کردن ( پیامی که اکثراً با شدت کم و لحظه ای است ) »
- « **نازل کردن** » به جای « فرو فرستادن و فرود آوردن و پایین فرستادن »
- « **تنزیل** » به جای « نزول تدریجی و فرو فرستادن به دفعات »
- « **مبعوث شده** » به جای « ۱- برانگیخته و برگزیده شده ۲- معین و منصوب شده »
- « **شاهد - شهادت** » به جای « حاضر و گواه - گواهی »
- « **رسول و مرسل** » به جای « فرستاده و فرستاده شده و نماینده و سفیر ( البته غالباً از طرف خدا و برای بشر ) »
- « **ارسال کردیم** » به جای « فرستادیم و اعزام کردیم و گسیل داشتیم »
- « **عظیم** » به جای « ۱- بزرگ و کلان و سترگ ۲- بزرگ قدر و والا مرتبه »
- « **علیم** » به جای « دانا و دانشمند »
- « **حکیم** » به جای « ۱- دانشمند ۲- حکمت آموز »
- « **مطهر** » به جای « پاک و پاکیزه و تمیز و طیب »
- « **تمنا** » به جای « آرزو و خواست و طلب »
- « **ذی** » به جای « صاحب و دارا »
- « **اراده می کند** » به جای « می خواهد و تصمیم دارد »
- « **رحمان** » به جای « رحم کننده و بخشنده و مهربان »
- « **رحیم** » به جای « آمرزنده و آمرزگار و مهربان »
- « **حمد** » به جای « ستایش و سپاس و شکر »
- « **عبادت** » به جای « پرستش و بندگی و طاعت »
- « **استعانت طلبیدن** » به جای « کمک طلبیدن و باری خواستن »
- « **دین** » به جای « ۱- قانون ۲- آیین و کیش و مذهب و شریعت و مسلک ۳- راه و رسم و روش و شیوه »
- « **صراط** » به جای « ۱- راه و رسم و روش و شیوه ۲- آیین و مسلک »
- « **طریق** » به جای « ۱- راه و جاده و مسیر عبور و تردد ۲- روش و شیوه ۳- آیین و مسلک »
- « **سبیل** » به جای « ۱- راه و جاده و مسیر عبور و تردد ۲- روش و شیوه ۳- آیین و مسلک »
- « **مخفی** » به جای « پنهان و سری »
- « **عطاء** » به جای « بخشش و دهش و ارزانی و بذل »
- « **شما تقوا ورزید** » به جای « ۱- شما ( از روی ترس ، از بدی ) پرهیز و خودداری کنید و دوری و اجتناب ورزید ۲- شما بترسید »
- « **هدایت کرد** » به جای « راهنمایی و ارشاد کرد و راه نمود »
- « **مأوا** » به جای « پناه و پناهگاه و سرپناه و مأمن »
- « **غنی ساخت** » به جای « دارا و توانگر ساخت و بی نیاز کرد »
- « **راغب** » به جای « مایل و مشتاق و خواهان »

- « **نطق می گوید** » به جای « سخن و کلام می گوید و حرف می زند و صحبت می کند »
- « **کذب - کذاب - کاذب** » به جای « ناراستی و دروغ - ناراست و دروغگو - غیر واقع و دروغین »
- « **افتراء بستن و افتراء زدن** » به جای « ۱- (مطلبی غیرواقعی اعم از توهم و خیال یا کذب و دروغ را) نسبت دادن ۲- بهتان و تهمت زدن »
- « **شقه شد** » به جای « شکافت و دو نیم و دو تکه و دو پاره و دو قسمت شد (البته نه لزوماً مساوی) »
- « **سمع کردن** » به جای « گوش کردن و شنیدن »
- « **رؤیت کردن** » به جای « دیدن و مشاهده کردن و نگاه کردن »
- « **نظاره کردن** » به جای « نگرستن و نگاه کردن و دیدن »
- « **اعراض کنند** » به جای « مخالفت و انکار کنند و رویگردانند »
- « **سحر** » به جای « ۱- افسون و جادو ۲- فریبنده و جذاب »
- « **مستمر** » به جای « ۱- همیشگی و دائم و پیوسته ۲- دنباله دار و ادامه دار (البته در طی دوران و مواقع مشخص) »
- « **حکمت** » به جای « ۱- علم و دانش و آگاهی ۲- دانستن حقیقت چیزی (و لذا توانایی حکم کردن) »
- « **بلیغ و بالغه** » به جای « ۱- گویا و رسا ۲- تمام و کامل »
- « **قصه می خوانیم** » به جای « حکایت و روایت و داستان نقل می کنیم و خبر و حدیث می خوانیم »
- « **(النَّبَأُ) خبر** » به جای « حکایت و روایت و قصه و حدیث و ماجرا و داستان و سرگذشت »
- « **نَبی** » به جای « رسول و فرستاده و خبر دهنده و خبر آور و پیام آور و پیامبر و پیغمبر از طرف خدا (که دارای کتاب و حکم و نبوت است البته فقط از افراد بشر و تنها برای بشر) »
- « **أمی** » به جای « ۱- عامی و نادان و ناآگاه و جاهل و غافل و بی اطلاع و بی علم ۲- تعلیم ندیده و بی سواد ۳- فردی که بر پایه اعتقادات و آیین اجدادش باشد ۴- فرد یا قومی که بی کتاب آسمانی به زبان مادری خودش باشد »
- نکته اول: در قرآن از کلمه امی دو بار آن هم از طرف خدا و فقط در مورد پیامبر و به صورت آن نبی امی، طی دو آیه ۱۵۷ و ۱۵۸ سوره الاعراف استفاده شده است.
- نکته دوم: کلمه امیین سه بار در قرآن آمده است.
- کلمه امیون یکبار در قرآن آمده است.
- « **معلم** » به جای « ۱- باسواد ۲- دانش آموخته و تعلیم دیده »
- « **آیت** » به جای « ۱- دلیل و نشان و نشانه و علامت و بینه ۲- معجزه »
- « **آیه** » به جای « ۱- عبارات کتب عهدین ۲- تقسیمات سوره های قرآن که گاه شامل چند حرف و گاه شامل چندین عبارت است »
- « **مردم (و مردمان)** » به جای « ۱- انسان (ها) و آدم (ها) و بشر (به طور عام) ۲- گروهی از افراد بشر با خصوصیات مشترک و مشابه »
- « **قوم** » به جای « ۱- گروهی از مردم که در نژاد و زبان و آیین و دین و محل زندگی و تاریخ مشترک هستند ۲- امت ۳- مردم »
- « **امت** » به جای « ۱- گروهی از مردم که در نژاد و زبان و آیین و دین و محل زندگی و تاریخ مشترک هستند ۲- قوم ۳- مردم »
- « **ملت** » به جای « ۱- دین و آیین و شریعت ۲- پیروان یک دین ۳- مردم و قوم و امت »
- « **سوره** » به جای « قسمت و مجموعه (ای از آیات قرآن اعم از تعداد کم یا زیاد، نازل شده در یک دوره مشخص اعم از کوتاه یا بلند) »
- « **بینه** » به جای « ۱- دلیل و برهان و حجت روشن و نشان و علامت آشکار ۲- معجزه و آیت »
- « **اخذ کن** » به جای « بگیر و بستان و دریافت کن »
- « **فکر** » به جای « ۱- اندیشه و پندار ۲- نظر و ایده »
- « **شعور** » به جای « آگاهی و اطلاع و خبر و وقوف »
- « **در حین** » به جای « در هنگام و در زمان و در مدت و در وقت و در موقع (که معمولاً زمان آن کوتاه است) »
- « **عجیب** » به جای « شگفت آور و شگفت انگیز و شگرف و خارق العاده و غیر عادی »
- « **ظن** » به جای « گمان و حدس و پندار »
- « **قهر و غضب** » به جای « خشم و عصبانیت »
- « **عذاب** » به جای « ۱- تنبیه سخت ۲- زجر و شکنجه »
- « **حسرت** » به جای « ۱- دریغ و تأسف و افسوس ۲- آرزو »
- « **(فؤاد) دل** » به جای « قلب »
- « **قلبهای مجرمین** » به جای « دلهای مجرمین »
- « **قبل** » به جای « پیش »
- « **بعد** » به جای « پس »
- « **بین دستان** » به جای « در پیشگاه و در پیش رو و پیش و پیشاپیش و مقابل و در مقابل و جلو و رو به رو و در حضور و نزد و این طرف چیزی و این سوی چیزی »
- « **خلف** » به جای « پشت و عقب و آن طرف چیزی و آن سوی چیزی »

« از خدا تقوا ورزید و مرا اطاعت کنید » به جای « از خدا بترسید و پروا کنید و مرا فرمان برید »  
 « کفر » به جای « ۱- ناسپاسی و ناشکری ۲- انکار و تکذیب  
 ۳- انکار نزول وحی خدا بر افراد بشر و از جمله بر رسولان او و لذا انکار روز قیامت و آخرت »  
 « طاغی » به جای « ۱- سرکش و گردنکش و گذراننده از حد خودش و متجاوز به حریم دیگران ۲- مخاصمه گر »  
 « ظلم » به جای « ستم و بیداد و جور و جفا »  
 « مضاعف » به جای « دو برابر و دو چندان »  
 « تبعیت » به جای « پیروی و دنباله روی و اطاعت و اقتداء »  
 « قول و کلام خدا تبدیل نشود » به جای « سخن خدا دگرگون نشود و تغییر نکند »  
 « به اکراه » به جای « به ناخوشایند و به ناخواست و بی میل و از روی اجبار »  
 « اباء می کند و اباء دارد » به جای « سر باز می زند و امتناع و خودداری می کند »  
 « انتظار بکشید و منتظر باشید » به جای « چشم داشته باشید »  
 « امام » به جای « ۱- کتاب آسمانی راهنما و رهنمون و هدایت کننده ۲- فرد پیشوا و پیشرو و پیشگام »  
 « اختلاف » به جای « ۱- گوناگونی و ناهمگونی و تفاوت ۲- تضاد و عدم توافق »  
 « مُلک » به جای « پادشاهی و فرمانروایی و سلطنت »  
 « مَلِک » به جای « پادشاه و فرمانروا و سلطان »  
 « مَلْک » به جای « فرشته »  
 « مکر » به جای « نیرنگ و فریب و حيله و کید و خدعه »  
 « امر » به جای « ۱- دستور و فرمان و حکم ۲- کار »  
 « عزیز » به جای « ارجمند و گرامی و بزرگ و محترم و با عزت »  
 « خالص » به جای « پاک و یکدست و ناب و بی غل و بی غش »  
 « اعوجاج » به جای « کجی و انحراف و پیچیدگی و خمیدگی و انحناء »  
 « شرک آوری » به جای « ۱- در عبادت الله از دون او همراه او همتا و شریک و فرزند و سهم و واسطه قرار دهی یا مظهر و نمادی خاص الا اسم و کلمه آوری »  
 « آنها را از مکانی بعید ندا می دهند » به جای « آنها را از جایی دور می خوانند و صدا می کنند »  
 « محزون » به جای « اندوهگین و غمگین و مغموم و افسرده »  
 « احدی » به جای « شخصی و کسی و فردی و نفری »  
 « ابد » به جای « دائم و جاودان و پیوسته و همواره و همیشه »  
 « ذکر » به جای « ۱- پند و اندرز و تذکر ۲- یاد و یاد آوری ۳- کتب آسمانی ۴- قرآن »  
 « امین » به جای « امانتدار و درستکار و معتمد و مورد اعتماد »  
 « أعجمی ( عجمی ) » به جای « فردی ( از هر یک از اقوام ) غیر عرب »  
 « مجرم » به جای « خطاکار و گناهکار و تبهکار »  
 « وکیل » به جای « کارگزار و کارساز و چاره ساز و عهده دار امور و نماینده و مدافع امور »  
 « ولی » به جای « ۱- سرپرست و بزرگ و سرور و حاکم به امر ۲- دوست و یار و یاور و کمک و مددکار »  
 « شفیع » به جای « شفاعت کننده و خواهش کننده »  
 « کبیر » به جای « بزرگ و کلان »  
 « صغیر » به جای « خرد و کوچک »  
 « جمع شوند » به جای « متفق شوند و گرد آیند و بییوندند »  
 « جمیع » به جای « همه و همگی و تمام و کل و کلیه »  
 « حدیث » به جای « ۱- کلام و گفتار و سخن ۲- داستان و حکایت و روایت و قصه و خبر »  
 « به تعجیل ( و با عجله ) می خواهند » به جای « زود و سریع و فوری و با شتاب می خواهند »  
 « تمسک کنند » به جای « دستاویز قرار دهند و چنگ زنند و تثبیت کنند »  
 « حجت » به جای « دلیل و برهان »  
 « بدعت » به جای « ۱- چیزی جدید و بی سابقه ۲- چیزی برخلاف چیزهای قبل و چیزهای موجود »  
 « وصیت » به جای « سفارش و اندرز و پند و نصیحت »  
 « نفع و منفعت » به جای « سود و بهره و فائده »  
 « جدل و مجادله » به جای « بحث و مباحثه و گفتگو که در آن هر یک از طرفین بخواهد نظر خود را بقبولاند »  
 « لقاء » به جای « دیدار و ملاقات و دیدن »

« **نجوا کردن** » به جای « زیرگوشی و درگوشی و آهسته و یواش حرف زدن و پچ پچ کردن »  
 « **جسد** » به جای « ۱- تن و بدن و پیکر و کالبد و هیكل و جنه و جسم ۲- نعش و جنازه »  
 « **طعام** » به جای « غذا و خوراک و خوراکی و خوردنی »  
 « **استهزاء کردن** » به جای « ریشخند کردن و مسخره و مضحکه کردن »  
 « **کبر** » به جای « نخوت و غرور و خود بزرگ بینی و بزرگی فروختن »  
 « **خوف** » به جای « ترس و بیم و وحشت و هول و هراس »  
 « **تأویل** » به جای « شرح و بیان و تفسیر و توضیح »  
 « **راسخ** » به جای « استوار و پا برجا و پایدار و محکم »  
 « **منسوخ و نسخ شده** » به جای « باطل و بی اثر شده »  
 « **به نسیان مسپار** » به جای « فراموش مکن و از یاد مبر و از ذهن محو مکن »  
 « **محو کند** » به جای « از بین ببرد و نابود کند »  
 « **تثبیت می کند** » به جای « ثابت و محکم و پا برجا می کند و استوار و برقرار می سازد »  
 « **غیب** » به جای « ناپیدا و ناهویدا و غیر ظاهر »  
 « **کلام را تحریف می کنند** » به جای « سخن را برمی گردانند و آن را منحرف می کنند و تغییر می دهند »  
 « **سری** » به جای « پنهان و مخفی »  
 « **علنی** » به جای « آشکار و هویدا و ظاهر »  
 « **کسب کنند** » به جای « به دست آورند و حاصل کنند »  
 « **عداوت و خصومت** » به جای « دشمنی و کینه »  
 « **سفیه** » به جای « کم عقل و نادان و احمق »  
 « **کتمان می کنند** » به جای « می پوشانند و پنهان و مخفی می کنند »  
 « **میثاق** » به جای « عهد و پیمان »  
 « **کثیر** » به جای « زیاد و بسیار و فراوان و متعدد »  
 « **رتوف** » به جای « دل رحم و مهربان و دل سوز و محب »  
 « **اذن** » به جای « اجازه و رخصت »  
 « **معرفت دارند** » به جای « شناخت دارند و می شناسند »  
 « **مُسَلِّم (مسلمان)** » به جای « ۱- تسلیم برای نزول وحی خدا بر رسولان ۲- مؤمن به وحی خدا »  
 « **صادق و صادقین** » به جای « راستگو و راستگویان »  
 « **ثمن** » به جای « قیمت و بها و ارزش »  
 « **ضاللت** » به جای « گمراهی و بطلان و تباهی »  
 « **ضایع** » به جای « تباه و نابود و خراب »  
 « **مکتوب کردیم** » به جای « ۱- نوشتیم و مرقوم کردیم ۲- رقم زدیم و مقرر کردیم »  
 « **حذر** » به جای « پرهیز و دوری و احتراز » و بر آن منوال الی آخر .

**بدین ترتیب ملاحظه می شود که ترجمه آیات منتخب بسیار نزدیک به نص قرآن است** و اصولاً برای ترجمه کل قرآن به زبان فارسی امروزین شیوه ای بهتر از آن نیست الا این که بپذیریم که از مفاهیم و معانی اصلی آیات قرآن دور یا منحرف شویم . البته در هر زبانی کلماتی هست که دارای معانی مترادف و گاه متفاوت و در مواردی متضاد می باشد و معنی مورد نظر را فقط از عبارت و متن مربوطه می توان فهمید . بی تردید ترجمه قرآن به زبان فارسی از ترجمه آن به هر زبانی آسان تر است . لذا تهیه ترجمه ای واحد به زبان فارسی به عنوان **ترجمه مأخذ و مرجع** که ضرورت آن در شرایط کنونی و خصوصاً برای نسل جوان کاملاً احساس می شود امری سهل و ساده است . چنان ترجمه ای نیاز به کار مشترک چند تن از مترجمین زبده دارد که امید است به زودی شاهد انجام آن باشیم . با انتشار چنان ترجمه ای و با رعایت ترتیب نزول سوره ها احتیاجی به ترجمه های بعدی نخواهد بود و ترجمه های کم دقت موجود و همچنین ترتیب جعلی عثمانی و در واقع ترتیب حکومتی سوره های قرآن به تدریج منسوخ خواهد شد این شاء الله . بدیهی است رعایت ترتیب نزول سوره ها در قرآن کما فی السابق خوشایند حکومتهای غیر مردمی و کاهنان و ملایان حامی آنها نیست و برای توجیه عدم رعایت آن ، قطعاً به انواع احادیث و روایات دروغین متوسل می شوند و آنها را برای تحمیق مردم مستمسک قرار می دهند .

نظر به این که هدف اصلی نوشته حاضر جنبه تحقیقی آن در جهت احراز معانی اصلی آیات و واقعیات مرتبط با آنهاست لذا ترجمه آیات حتی الامکان **کلمه به کلمه** و به دور از هر گونه تکلف ادبی ارجح و بلکه لازم تشخیص داده شد تا خواننده در درک صحیح تر معانی ، آزادی عمل بیشتری داشته باشد . بدین ترتیب با وجود نیاز محققین به مقابله هر ترجمه ای با نص قرآن ، در ترجمه آیات این متن ضرورت مقابله به حداقل رسانده شده است .

**استنباط** و **تفسیر** امری مستقل از **ترجمه** است که شاید نهایی بر آن قابل تصور نباشد. در نتیجه آنها را نباید تحت عنوان ترجمه آیات آورد تا خواننده دقت خود را از دست ندهد و احتمالاً منحرف نشود مگر این که آنها صریحاً مشخص و از ترجمه آیات متمایز شوند. در متن فعلی با قید نظرات حقیر در داخل کمانکها و کمانها چنین شده است اگر چه اکثر آنها **کلمات مترادف** و **تأکیدات مؤکد** و **توضیحات واضح** در جهت شفافیت محتوای آیات و شرح موضوعات می باشند. بدیهی است استنباطات و تفاسیر می باید بی استثناء در همه آیات مشابه یا مرتبط صادق باشند و گر نه اعتبارشان کاهش می یابد یا کلاً از درجه اعتبار ساقط می گردند. به منظور نشان دادن صحت استنباطات و تفاسیر، **تکرار مکررات** تا حدی در این متن خصوصاً در فصل اول واجب شد و رعایت شیوه مذکور در متون مشابه الزامی است.

تعداد آیات منتخب در فصل دوم جمعاً بیش از دو هزار آیه کامل و بعضاً فقط قسمت مرتبط با موضوعات از آیه است و افزون بر یک سوم کل آیات قرآن را شامل می شود که **فشرده قرآن** است.

در ترجمه آیات مثل نص قرآن از نشانه های مرسوم در متون امروزی استفاده نشده است و در نظرات و توضیحات ابرازی متصل به ترجمه آیات، صرفاً از ویرگول و گیومه استفاده شده است. مطالب قید شده در داخل کمانکها و کمانها چنان که ذکر شد نظرات حقیر در جهت شفافیت و توضیح کامل تر محتوای آیات می باشند که اکثر آنها **کلمات مترادف** و **تأکیدات مؤکد** و **توضیحات واضح** به منظور درک بهتر محتوای آیات هستند.

اعداد مندرج در داخل کمانکها نمایانگر ترتیب نزول سوره ها و دو عدد بعدی، ترتیب آن سوره در قرآن عثمانی و شماره آیه در آن سوره می باشد. به عنوان مثال مجموعه اعداد ۵-۶۸ (۲) مشخص کننده پنجمین آیه از دومین سوره نازل شده (سوره القلم) است که به عنوان شصت و هشتمین سوره در قرآن عثمانی قرار دارد.

در فصل اول که **عصاره قرآن** است ترجمه پانصد آیه منتخب با حروف درشت تر نسبت به آنچه در داخل کمانکها و کمانهاست و با خط کشی زیر آنها، به وضوح قابل تشخیص می باشد لیکن در فصل دوم به منظور انسجام متن، حروف یکسان و بی خط کشی است. در پایان هر آیه فصل اول، شماره ردیف آن از { ۱ } الی { ۵۰۰ } ملاحظه می شود.

در فصل دوم، پانصد آیه فصل اول با خطوط زیر شماره آیه در ابتدای آن و با ذکر شماره ردیف در پایان آن از سایر آیات فصل دوم متمایز است. ضمناً آیات تک و نیز آیات سرگروه که بعد از آنها آیات متوالی هست با علامت ستاره (\*) در ابتدای شماره آنها مشخص می باشند. در فصل دوم، موضوعات مهم و مطالب قابل مکت طی نکات مربوط به هر یک از سوره ها که حدود ششصد نکته کوتاه و بلند است آورده شده اند.

توضیحاً این که از یکصد و چهارده سوره قرآن، هشتاد و شش سوره آن با حدود دو سوم حجم کل قرآن ظرف سیزده سال در مکه و بیست و هشت سوره با حدود یک سوم حجم کل قرآن ظرف ده سال در مدینه نازل و بر پیامبر القاء شد و سوره البقره با ترتیب نزول هشتاد و هفت، اولین سوره مدنی است.

آخرین سطور متن حاضر به سال یکهزار و سیصد و هشتاد و هفت شمسی توسط حقیر نگارش یافت. امین ثانی



## \* ترتيب نزول سوره هاى قرآن مجيد \*

ترتيب نزول	اسم و شماره سوره	ترتيب نزول	اسم و شماره سوره	ترتيب نزول	اسم و شماره سوره
١	العلق ٩٦	٣٩	الاعراف ٧	١	العلق ٩٦
٢	القلم ٦٨	٤٠	الجين ٧٢	٢	القلم ٦٨
٣	المزمل ٧٣	٤١	يس ٣٦	٣	المزمل ٧٣
٤	المدثر ٧٤	٤٢	الفرقان ٢٥	٤	المدثر ٧٤
٥	الفاتحه ١	٤٣	فاطر ٣٥	٥	الفاتحه ١
٦	المسد ١١١	٤٤	مريم ١٩	٦	المسد ١١١
٧	التكوير ٨١	٤٥	طه ٢٠	٧	التكوير ٨١
٨	الاعلى ٨٧	٤٦	الواقعه ٥٦	٨	الاعلى ٨٧
٩	الليل ٩٢	٤٧	الشعراء ٢٦	٩	الليل ٩٢
١٠	الفجر ٨٩	٤٨	النمل ٢٧	١٠	الفجر ٨٩
١١	الضحى ٩٣	٤٩	القصص ٢٨	١١	الضحى ٩٣
١٢	الانشراح ٩٤	٥٠	الاسراء ١٧	١٢	الانشراح ٩٤
١٣	العصر ١٠٣	٥١	يونس ١٠	١٣	العصر ١٠٣
١٤	العاديات ١٠٠	٥٢	هود ١١	١٤	العاديات ١٠٠
١٥	الكوثر ١٠٨	٥٣	يوسف ١٢	١٥	الكوثر ١٠٨
١٦	التكاثر ١٠٢	٥٤	الحجر ١٥	١٦	التكاثر ١٠٢
١٧	الماعون ١٠٧	٥٥	الانعام ٦	١٧	الماعون ١٠٧
١٨	الكافرون ١٠٩	٥٦	الصفات ٣٧	١٨	الكافرون ١٠٩
١٩	الفيل ١٠٥	٥٧	لقمان ٣١	١٩	الفيل ١٠٥
٢٠	الفلق ١١٣	٥٨	سبا ٣٤	٢٠	الفلق ١١٣
٢١	الناس ١١٤	٥٩	الزمر ٣٩	٢١	الناس ١١٤
٢٢	الاخلاص ١١٢	٦٠	المؤمن ٤٠	٢٢	الاخلاص ١١٢
٢٣	النجم ٥٣	٦١	فصلت ٤١	٢٣	النجم ٥٣
٢٤	عبس ٨٠	٦٢	الشورى ٤٢	٢٤	عبس ٨٠
٢٥	القدر ٩٧	٦٣	الزخرف ٤٣	٢٥	القدر ٩٧
٢٦	الشمس ٩١	٦٤	الدخان ٤٤	٢٦	الشمس ٩١
٢٧	البروج ٨٥	٦٥	الجاثيه ٤٥	٢٧	البروج ٨٥
٢٨	التين ٩٥	٦٦	الاحقاف ٤٦	٢٨	التين ٩٥
٢٩	قريش ١٠٦	٦٧	الذاريات ٥١	٢٩	قريش ١٠٦
٣٠	الفارعه ١٠١	٦٨	الغاشيه ٨١	٣٠	الفارعه ١٠١
٣١	القيامه ٧٥	٦٩	الكهف ١٨	٣١	القيامه ٧٥
٣٢	الهمزه ١٠٤	٧٠	النحل ١٦	٣٢	الهمزه ١٠٤
٣٣	المرسلات ٧٧	٧١	نوح ٧١	٣٣	المرسلات ٧٧
٣٤	ق ٥٠	٧٢	ابراهيم ١٤	٣٤	ق ٥٠
٣٥	البلد ٩٠	٧٣	الانبياء ٢١	٣٥	البلد ٩٠
٣٦	الطارق ٨٦	٧٤	المؤمنون ٢٣	٣٦	الطارق ٨٦
٣٧	القمر ٥٤	٧٥	السجده ٣٢	٣٧	القمر ٥٤
٣٨	ص ٣٨	٧٦	الطور ٥٢	٣٨	ص ٣٨
٧٧	الملك ٦٧	٧٧	الملك ٦٧	٧٧	الملك ٦٧
٧٨	الحاقه ٦٩	٧٨	الحاقه ٦٩	٧٨	الحاقه ٦٩
٧٩	المعراج ٧٠	٧٩	المعراج ٧٠	٧٩	المعراج ٧٠
٨٠	النبأ ٧٨	٨٠	النبأ ٧٨	٨٠	النبأ ٧٨
٨١	النازعات ٧٩	٨١	النازعات ٧٩	٨١	النازعات ٧٩
٨٢	الانفطار ٨٢	٨٢	الانفطار ٨٢	٨٢	الانفطار ٨٢
٨٣	الانشقاق ٨٤	٨٣	الانشقاق ٨٤	٨٣	الانشقاق ٨٤
٨٤	الروم ٣٠	٨٤	الروم ٣٠	٨٤	الروم ٣٠
٨٥	العنكبوت ٢٩	٨٥	العنكبوت ٢٩	٨٥	العنكبوت ٢٩
٨٦	المطففين ٨٣	٨٦	المطففين ٨٣	٨٦	المطففين ٨٣
٨٧	البقره ٢	٨٧	البقره ٢	٨٧	البقره ٢
٨٨	الانفال ٨	٨٨	الانفال ٨	٨٨	الانفال ٨
٨٩	آل عمران ٣	٨٩	آل عمران ٣	٨٩	آل عمران ٣
٩٠	الاحزاب ٣٣	٩٠	الاحزاب ٣٣	٩٠	الاحزاب ٣٣
٩١	المنتحنه ٦٠	٩١	المنتحنه ٦٠	٩١	المنتحنه ٦٠
٩٢	النساء ٤	٩٢	النساء ٤	٩٢	النساء ٤
٩٣	الزلزال ٩٩	٩٣	الزلزال ٩٩	٩٣	الزلزال ٩٩
٩٤	الحديد ٥٧	٩٤	الحديد ٥٧	٩٤	الحديد ٥٧
٩٥	محمد ٤٧	٩٥	محمد ٤٧	٩٥	محمد ٤٧
٩٦	الرعد ١٣	٩٦	الرعد ١٣	٩٦	الرعد ١٣
٩٧	الرحمن ٥٥	٩٧	الرحمن ٥٥	٩٧	الرحمن ٥٥
٩٨	الانسان ٧٦	٩٨	الانسان ٧٦	٩٨	الانسان ٧٦
٩٩	الطلاق ٦٥	٩٩	الطلاق ٦٥	٩٩	الطلاق ٦٥
١٠٠	البينه ٩٨	١٠٠	البينه ٩٨	١٠٠	البينه ٩٨
١٠١	الحشر ٥٩	١٠١	الحشر ٥٩	١٠١	الحشر ٥٩
١٠٢	النور ٢٤	١٠٢	النور ٢٤	١٠٢	النور ٢٤
١٠٣	الحج ٢٢	١٠٣	الحج ٢٢	١٠٣	الحج ٢٢
١٠٤	المنافقون ٦٣	١٠٤	المنافقون ٦٣	١٠٤	المنافقون ٦٣
١٠٥	المجادله ٥٨	١٠٥	المجادله ٥٨	١٠٥	المجادله ٥٨
١٠٦	الحجرات ٤٩	١٠٦	الحجرات ٤٩	١٠٦	الحجرات ٤٩
١٠٧	التحريم ٦٦	١٠٧	التحريم ٦٦	١٠٧	التحريم ٦٦
١٠٨	التغابن ٦٤	١٠٨	التغابن ٦٤	١٠٨	التغابن ٦٤
١٠٩	الصف ٦١	١٠٩	الصف ٦١	١٠٩	الصف ٦١
١١٠	الجمعه ٦٢	١١٠	الجمعه ٦٢	١١٠	الجمعه ٦٢
١١١	الفتح ٤٨	١١١	الفتح ٤٨	١١١	الفتح ٤٨
١١٢	المائده ٥	١١٢	المائده ٥	١١٢	المائده ٥
١١٣	التوبه ٩	١١٣	التوبه ٩	١١٣	التوبه ٩
١١٤	النصر ١١٠	١١٤	النصر ١١٠	١١٤	النصر ١١٠